



## An Analysis of Quranic Foundations in Human Procreation/ Reproduction \*

Ali Karimpoor Qaramaliti<sup>۱</sup> and Ahmad Moollai<sup>۲</sup>

### Abstract



The perspective of women's responsibility in childbearing, contrasted with feminist viewpoints, is grounded in specific Quranic foundations. This article aims to examine these foundations. Today, the necessity of strengthening the Islamic system relying on human potential underscores the importance of investigating this topic. The objective of this research is to demonstrate the legal duties and commitments of women within the family and society from a Quranic perspective. The weaknesses of opposing viewpoints are sources of doubt in their validity. Through library research and analytical-descriptive methods along with intra-textual analysis, the author analyzes the Quranic foundations in question. The research findings in this article are devoted to the essential reality that, from a Quranic standpoint, childbearing for women is considered a religious obligation due to ensuring the survival of the human race, attaining positive effects, providing tranquility, and other supporting evidence. Furthermore, the article emphasizes that childbearing for women is a right of the husband, and if proven feasible, he can request a divorce if the wife refuses to fulfill this obligation. Therefore, except in exceptional cases, no factor can serve as a justification for a woman to abstain from fulfilling this religious duty.

**Keywords:** Quran, Survival of the Species, Childbearing, Wife and Husband.

---

\*. **Date of Receiving:** ۷ April ۲۰۲۲, **Date of Approving:** ۱۵ September ۲۰۲۲.

<sup>۱</sup>. Assistant Professor and Faculty Member at Al-Mustafa International University [Corresponding Author]: (karimpooralali@yahoo.com).

<sup>۲</sup>. Assistant Professor and Collaborating Lecturer at Al-Mustafa International University: (moollai@yahoo.com).



## تحلیل مبانی قرآنی تولید نسل انسان \*

علی کریم پور قراملکی<sup>۱</sup> و احمد ملایی<sup>۲</sup>



### چکیده

نگره تکلیف زن به فرزندآوری در مقابل دیدگاه فمینیست‌ها، دارای مبانی خاص از منظر قرآن کریم است. در این نوشتار، سعی شده است مبانی فوق، مورد بررسی قرار بگیرند. امروزه، ضرورت استحکام نظام اسلامی با اتکاء بر نیروی عظیم انسانی، اهمیت بررسی مبحث را روشن می‌نماید. هدف از انجام این تحقیق، نشان دادن وظیفه و تعهد شرعی زن در نهاد خانواده و جامعه با رویکرد قرآنی است. ضعف مبانی دیدگاه مخالف، منشأ تردید در صحت آنها به شمار می‌آید. نگارنده با روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی به همراه شیوه درون متنی، مبانی مورد نظر از منظر قرآن را تحلیل کرده است. یافته‌های پژوهش در این نوشتار، معطوف به این حقیقت مهم است که از منظر قرآن کریم، فرزندآوری برای زن، به لحاظ بقاء نسل، تحصیل اثر نیک، آرامش بخشی و سایر ادله، به عنوان یک تکلیف شرعی است. ضمن آنکه، فرزندآوری برای زن با احراز امکان پذیری آن، یکی از حقوق شوهر است و او می‌تواند در صورت امتناع زن از عمل بدان، درخواست طلاق نماید، لذا هیچ عاملی جز موارد استثنایی، نمی‌تواند به عنوان مجوزی برای زن در استنکاف از عمل به این تکلیف شرعی به شمار بیاید.

واژگان کلیدی: قرآن، بقاء نسل، فرزندآوری، زن و شوهر.

\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴.

۱. استادیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی قم، ایران؛ «نویسنده مسئول»؛ (karimpoorali@yahoo.com).

۲. استادیار، استاد همکار جامعه المصطفی قم، ایران؛ (moollai@yahoo.com).



## بیان مساله

در زمان‌های گذشته، زنان بیشتر خانه‌دار بودند، ولی در دوران معاصر، با افزایش علاقه به حضور در حوزه‌های اجتماعی و استقلال طلبی مالی، از جمله میل به ادامه تحصیل، حضور در میادین ورزشی و اشتغال به کار و واگذاری مسئولیت‌های مختلف به آنان، و نیز بر اساس برخی از دلایل نظری سست، مانند: سودگرایی، آرمان‌گرایی، حقوق طبیعی و حقوق انسانی، پایه دانستن معیت کم برای عدالت اجتماعی و...، این توهّم را در بین برخی از آنان پدید آورده است که فرزندآوری، به عنوان مزاحم بزرگی در جهت رشد آنهاست و مانع چنین فعالیت‌های چشمگیری برای آنهاست (ر.ک: ترکاشوند و قره‌باغی، «نقد و بررسی دیدگاه‌های مخالفان و موافقان کنترل جمعیت»، ۱۳۹۹: ۷۳-۹۴) از این رو، برخی از آنان همچون فمینیست‌ها، نتیجه گرفته‌اند که فرزندآوری از نقش‌های اجتماعی ناشی شده که با تغییر شرایط اجتماعی، می‌تواند مفهوم فرزندآوری هم بی‌معنا باشد. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که اصولاً، آیا فرزندآوری برای زنان، به عنوان حقی از حقوق آنان شناخته می‌شود تا با خواست خودشان، قدرت بر اسقاط آن هم بتوانند داشته باشند یا نه، به عنوان وظیفه و تکلیف برای آنها در قبال تشکیل خانواده و جامعه به‌شمار می‌آید؟ حال، با توجه بر ادعای جامعیت قرآن و جاودانگی آن، نظر قرآن کریم درباره مسئله فرزندآوری و تبیین مبانی آن، اهمیت پیدا می‌کند. نوشتار کنونی، درصدد پاسخ به پرسش فعلی است.

## پیشینه تحقیق

مطالعه آثار محققان اسلامی و قرآنی، نشانگر این است که کتب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی درباره حقوق زن و شوهر در نهاد خانواده نگارش یافته است؛ ولی در خصوص اینکه مبانی فرزندآوری زن از منظر قرآن، چه چیزهایی است؟ آیا مقوله فرزندآوری از حق زن شمرده می‌شود یا برای او تکلیف است؟ بررسی‌های انجام‌گرفته، معطوف به این حقیقت است که موضوع مذکور، مسئله‌ای تازه است که نیازمند پژوهش است و در آثار محققان قرآن‌پژوه مشاهده نمی‌شود، از این رو جا دارد که نظر قرآن در این باره با قطع نظر از رویکرد حدیثی معلوم گردد.

## مفهوم‌شناسی

### مبانی در لغت و اصطلاح

کلمه «مبانی» از نظر لغت، جمع مبنا است. واژه مبنا هم، اسم مکان به معنای محل بنا است؛ چراکه لغت‌شناسان، کلماتی مانند بنی، بناء، بنیان و بنایه را به معنای بناء ساختن دانسته‌اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۶: ۱/۱۴۷؛ قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ۲/۲۳۲). از این رو، باید گفت که «مبانی» در لغت به معنای پایه‌ها، اصول و دلایلی است که ساخت چیزی را بر روی خود می‌پذیرد. همان‌طور که در احادیث آمده است: «الكلمات الذی بنی علیه الاسلام خمسة: سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله و الله اكبر؛ کلماتی که اسلام بر روی آنها ساخته شده است، پنج چیز است: سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله و الله اكبر» (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۶۷: ۱/۶۴).

واژه «مبانی» در اصطلاح هم، به آن پیش‌فرض‌هایی اطلاق می‌گردد که وجود علمی را توجیه می‌کنند. برای مثال، علم تفسیر قرآن، زمانی می‌تواند پدید بیاید که مفسر قبل از تفسیر، پایه‌هایی مانند امکان تفسیر، و حیانیت، فهم‌پذیری و جاودانگی و جهانی بودن قرآن را مسلم و مدلل برای خود ملاحظه بکند (ر.ک: رضائی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۹۲: ۱/۹۸؛ عنایت شریفی و محسن فلاح، مقاله: «مبانی انسان شناختی نظام تغذیه در قرآن و نقش آن در سلامتی جسم و روح انسان»، دوره ۱۵، ش ۲۹، سال ۱۴۰۰ش، ص ۲۴۱-۲۶۲).

در محل بحث نیز که سخن از مبانی فرزندآوری از منظر قرآن کریم است، مراد از آن، پایه‌ها و پیش‌فرض‌هایی است که ضرورت فرزندآوری بر اساس آنها، ادعا و اثبات می‌گردد. نگارنده در این نوشتار، سعی بر این دارد که پایه‌های مذکور، تبیین و تحلیل بشوند.

### تحلیل مبانی قرآنی فرزندآوری در زن به عنوان تکلیف

قرآن کریم درباره زن از حیث انسانی و بیان شخصیتی، مطالب مهمی را بیان کرده است که همه آنها، افق وسیع و دید منطقی و واقعی قرآن کریم را نشان می‌دهد. چنانکه در جهت بیان مسائل حقوقی، آموزه‌های خاصی بیان کرده است که احراز و استنباط حکم فرزندآوری، از مباحث مهم در این زمینه است (ر.ک: نوری همدانی، «کنترل جمعیت»، ۱۳۸۲: ۵۲-۲۴؛ سادات میرهاشمی و جلیلی کلهری، «تبیین و بررسی دیدگاه‌های مستنبط از آیات و روایات درباره سیاست راهبردی تکثیر مولید و افزایش جمعیت در اسلام»، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۹۲). بررسی آیات مختلف قرآن، حاکی از دلالت آیات قرآن بر تکلیف فرزندآوری برای زن دارد که برخی از آنها را در اینجا، بررسی و تحلیل می‌کنیم:





## ۱. وسیله بقاء نسل

خداوند، در این آیه شریفه ۲۲۳ سوره بقره چنین می‌فرماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید و (سعی کنید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده!» کلمه «حَرْث» در لغت، به معنای زراعت کردن با نوع مصدر، مثل آیه ۶۳ سوره واقعه و خود زراعت در اسم مصدر، مانند آیه ۱۱۷ سوره آل عمران به کار می‌رود. این کلمه در قرآن کریم به معنای کشتگاه، همانند آیه محل بحث و به معنای محصول و نتیجه، همچون آیه ۲۰ سوره شوری استعمال شده است. واژه «آنّی» از اسمای شرط، به معنای هر کجا و هر زمان است. عبارت «فاتوا» نیز به قرینه وجود «آنّی و شتم»، دلالت بر امر اختیاری دارد. همان‌گونه که گزاره «وقدّموا» به‌خاطر اشتغال بر «لأنفسکم» دلالتی بر وجوب ندارد. بنابراین، معنای آیه شریفه این است که همسرانتان برای شما مردان، در حکم مزرعه هستند. حق دارید در هر زمان به استثنای زمان حیض به دلیل صدق آزار در چنین زمانی بر اساس آیه ۲۲۲ سوره بقره، و نیز لزوم تطهیر در وقت مقاربت یا هر مکانی با آنها نزدیکی کنید و با تربیت فرزندان صالح، اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید (طباطبایی، الیمزان، ۱۳۹۰: ۲/۲۱۲).

ضمن اینکه، از دیدگاه برخی، مانند استاد جوادی آملی تعبیر «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» جمله خبری و وصفی است، ولی می‌تواند به داعی انشاء نیز القا شده و به صورت جمله انشایی ظهور یابد و پیام اساسی آن، متوجه زنان شود که ای زنان بزرگوار، کوشا باشید تا مَحَرِّث و کشتزار شوید و هم متوجه مردان که ای رجال شریف، بکوشید کشاورز به معنای «حارث» نه «زارع» گردید؛ زیرا انسان‌سازی، خلیفه آفرینی و کریم بارآوردن کاری دارای معادل نیست (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۷۶: ۱۱/۱۹۰).

برخی از مفسران بیان داشته‌اند که شأن نزول این آیه در رابطه با سخنان قوم یهود در زمان حیات پیامبر ﷺ بود که می‌گفتند: هرکس با خانمش، نه از جلو، بلکه از پشت در قُبُلش، مقاربت بکند فرزندش، نابینا می‌گردد. این آیه شریفه نازل گردید و بیان داشت که در قُبُل زن، خواه از جلو یا از پشت می‌توان نزدیکی کرد (قرطبی، الحامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۳/۹۱). در هر صورت، قطع نظر از دلالت آیه شریفه بر تجویز و عدم تجویز مقاربت با زن از دُبُر (همان: ۳/۹۵) آیه مذکور از جهتی می‌تواند تکلیف فرزندآوری را برای همسر در قبال شوهر، دلالت کند: بر اساس آیه شریفه، نسبت زنان به جامعه انسانی و از آن جمله شوهر، نسبت کشتزار به کشتکار است. همان‌طور که کشتزار برای بقای

بذر لازم است، و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می‌شود، و دیگر غذایی برای حفظ حیات و ابقای آن نمی‌ماند، همچنین اگر زنان نباشند نطفه مرد هم از بین می‌رود و در نتیجه، نوع انسانی دوام نمی‌یابد و نسل آدم قطع می‌شود. بنابراین، ادامه نسل شوهر و جامعه انسانی به زن و رحم او وابسته است و در نتیجه، حق شوهر برای ادامه نسل و حق جامعه برای دوام انسانی، وظیفه فرزندآوری را برای زن ایجاب می‌نماید (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۲/۲۱۲).

## ۲. تحصیل اثر نیک

آیه شریفه: «وَقَدْ مُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ» (بقره/۲۲۳) از جمله آیاتی است که می‌تواند دلیلی مستقل برای مکلف بودن زن به فرزندآوری اقامه بشود. میان مفسران، درباره اینکه مراد از آیه شریفه چیست؟، چهار دیدگاه وجود دارد: ۱. تقدیم عمل صالح، ۲. تسمیه هنگام جماع، ۳. درخواست فرزند، ۴. تقدیم طاعت خدا و تبعیت از امر او (ابن جوزی، تذکرة الخواص الامة فی خصائص الائمة، بی تا: ۱/۱۹۳). طبق قول بعضی از مفسران، آیه شریفه دلالت بر این دارد که یکی از راه‌های استحصال اثر نیک و پیش فرستادن آن به عالم آخرت، پرورش فرزند شایسته است. چون که عبارت مذکور، بعد از کشتگاه دانستن زن برای شوهر جهت استفاده شوهر از همسرش بیان شده است و سیاق سخن دلالت دارد بر اینکه خداوند، پیگیر تناکح و تناسل در میان بشر است (فخر رازی، تفسیر کبیر، ۶: ۴۲۱/۱۴۲۰؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۲/۲۱۴).

حالا، اگر مردی انگیزه تحقق اثر نیک را از این مسیر انتخاب کند و برای خاطر آن، خانواده تشکیل بدهد، زنش نمی‌تواند او را از انتخاب چنین مسیری جلوگیری کند؛ چراکه دوام نهاد خانواده و تحصیل اثر نیک از طریق فرزندآوری، از لوازم تشکیل خانواده است، لذا زن در قبال شوهر نمی‌تواند ادعا بکند که من حاضر به احداث و اشتراک در نهاد خانواده با شما هستم، ولی در استکمال آن، با شما نمی‌خواهم همراهی بکنم. دلیل ناصحیح بودن چنین ادعایی، این است که فرزندآوری، در نظر کسی که می‌خواهد اثر نیکی را با پرورش فرزند، از پیش بفرستد، همان فرزندآوری است. همان‌طور که دینداری و عمل به احکام دینی، طبق حمل شخص بر عقاید خود، از لوازم التزام دین است. کسی نمی‌تواند ادعا بکند که من در انتخاب دین آزادم، ولی در عمل به دین‌داری، آزاد هستم و مجازاتی هم نخواهم داشت (صادقی تهرانی، الفرقان، ۱۴۰۶: ۴/۲۲۳).

افزون بر آن، ازدواج و به دنبال آن، فرزنددار شدن، سلامت معنوی خانواده را در کنار سلامت فردی و اجتماعی برای آدمی به ارمغان می‌آورد و ثابت می‌کند که تشکیل خانواده، نه تنها کار شیطانی نیست؛ بلکه کار معنوی و الهی برای کل خانواده است (ر.ک: سیم فروش و طباطبایی، «توسعه الگوی سلامت خانواده و جمعیت مطلوب بر مبنای ارزش‌های الهی در آموزش پزشکی»، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۱۸۶).



از مفهوم آیه نهم سوره منافقون: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ و دیگر آیات مشابه، استفاده می‌شود که فرزند زیاد اگر انسان را از یاد خدا غافل نکند و انسان بتواند به وظیفه و تکالیف دینی اش هم نسبت به فرزندانش و هم نسبت به خود و دیگران عمل کند، بسیار مطلوب است (ر.ک: نوری همدانی، «کنترل جمعیت»، ۱۳۸۲: ۲۴-۵۲). این تحلیل، از مفهوم آیه با صراحت استفاده می‌شود. نکته درخور توجه این است که به بهانه ظاهر آیه نمی‌توان از مفهوم صریح آیه دست برداشت.

### ۳. وسیله کمال گرایی و تحقق طیب

خداوند در آیه ۷۲ سوره نحل می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ يَنْعَمَتِ اللَّهُ هُمْ يَكْفُرُونَ﴾؛ «خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟» در این آیه به سه نکته مهم اشاره شده است: خلق همسر برای مردان از همان نوع انسانی آنها، خلق فرزندان بلاواسطه و باواسطه به وسیله همسران برای مردان و معرفی همسران به عنوان مصداق بارز طیبات (ر.ک: خرازی، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»، ۱۳۷۹: ۶۹-۴۱؛ نادری، کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، ۱۳۹۵: ۶۵).

با دو طریق ذیل، می‌توان از آیه شریفه برای اثبات وظیفه فرزندآوری برای همسر در قبال مرد، مبنا بیان کرد:

الف. کمال‌گرایی، مهمترین هدف تشکیل خانواده از ناحیه مرد است. همان‌طور که زن نیز برای رسیدن به کمال به این کار مبادرت می‌ورزد. تحقق کمال و سعادت هم، در زمانی حاصل می‌گردد که انسان به آرزوها و اهداف خود، از آن جمله فرزنددار شدن در خانواده برسد. به‌طور طبیعی، اگر اغراض ثانوی بر طبیعت اولیه آدمی غلبه نکند، صاحب فرزندبودن، یکی از اسباب آن کمال خواهد بود (فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۲۶۲/۱۳)؛ بنابراین، تحصیل آرامش از حقوق اولیه هرکدام از زن و مرد را در خانواده تشکیل می‌دهد. روشن است که چنین حقی، تکلیفی را برای طرف مقابل تولید می‌کند که هرگونه کوتاهی غیرموجه در این زمینه از ناحیه هریک از زن و شوهر، حق دیگری را به نام حق جدائی برای دیگری به وجود می‌آورد. این استظهار، متکی بر همان تعبیر «جعل» است که خداوند در این آیه شریفه، آن را دوبار تکرار می‌کند؛ زیرا سیاق آیه شریفه در مقام بیان منت‌گذاری خداوند بر مردان است، لذا زن، حق ندارد این منت الهی را با استنکار خود به چالش بکشد. افزون بر آن، ذیل آیه شریفه از کفر به نعمت‌های الهی سخن می‌گوید که جلوگیری از فرزندآوری، می‌تواند به عنوان کفر به نعمت شناخته بشود (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۵۵۲/۴).

ب. کلمه «طیب» در لغت، به معنای امر موافق با طبیعت آدمی است. هر آن چیزی که طبع انسان با آن سازگاری داشته باشد آن، طیب شمرده می‌شود (موسی، المصباح فی فقه اللغة، ۱۴۰۴: ۳۵۷/۱). زن، یکی از آن مصادیقی است که با طبیعت و وجود مرد به طور کامل سازش دارد؛ چراکه او هم همانند طبیعت انسانی مرد با او مشترک است. همان گونه که مرد هم برای زن، به لحاظ اشتراک در انسانیت با وی از مصادیق طبیعت شناخته می‌شود، لذا زن فطرت یکسان و طبیعت، همانند وی دارد. با این همه، چیزی که میل و علاقه مرد را به زن بیشتر می‌کند و او را با مرد، سازگارتر می‌کند مقوله قدرت زن بر فرزندآوری است که مرد، فاقد آن قدرت است. از آنجاکه مرد، چنین قدرت و کمالی را ندارد، نیازمندی مرد به زن را بیشتر می‌کند. همین، نکته ممتازی است که برای زن در چشم مرد، در کنار زیبایی ظاهری، به او زیبایی محتوایی می‌بخشد و او را تبدیل به محبوب و معشوق مرد نموده و زندگی را طیب می‌کند. از اینجا معلوم می‌شود زنی که خودش را با بهانه‌های ناصحیح، از این عنصر خدادادی کنار بکشد و با آن به مخالفت برخیزد در حقیقت، با خواسته به حق مرد، یعنی فرزندآوری به مخالفت برخاسته و با این کار، بقای جامعه انسانی را به چالش کشانده و زندگی را، به غیرطیب تبدیل می‌کند. (طباطبایی، لمیزان، ۱۴۲۰: ۲۹۷/۱۲).

#### ۴. تحقق ناشزه‌گی در مخالفت با فرزندآوری

خودداری از فرزندآوری موضوعی است که می‌تواند مصداقی برای تحقق همان ناشزه‌ای باشد که خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء: ﴿... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾؛ «... و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است»، بدان اشاره می‌کند؛ زیرا در ممانعت از فرزندآوری، نشوز فعلی از دو نوع نشوز قولی و فعلی تحقق می‌یابد. (فخر رازی، تفسیر کبیر، ۱۴۲۰: ۷۲/۱۰)

نشوز از نظر فقهاء، عبارت است از تمرد زن نسبت به همسرش در برآورده ساختن حقوق او یا انجام دادن کارهایی که موجب تنفر او می‌شود. اگرچه آن کارها، از قبیل دشنام دادن یا سرزنش کردن باشد و همچنین، بیرون رفتن از منزل بدون اجازه و ضرورت (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۱۳۹۷: ۳۰۳/۳۱؛ خویی، منهاج الصالحین، بی تا: ۲۸۷/۲؛ حکیم طباطبایی، منهاج الصالحین، بی تا: ۱۵۲). حال، خواست فرزند توسط مرد از زن در صورت سلامتی او، یکی از حقوق شوهر به حساب می‌آید و از طرفی، تمرد زن از آوردن فرزند برای شوهر در صورتی که باعث تنفر او گردد، می‌تواند از موارد تحقق ناشزه‌ای باشد که خداوند، بدان در آیه شریفه می‌پردازد و زنان را از ارتکاب آن پرهیز و هشدار و کیفر قائل می‌شود.



## ۵. فطری بودن فرزندآوری و عدم جواز تغییر آن

فرزندآوری، از مصادیق «خلق الله» است که خداوند از تبدیل ناپذیری آن، در آیه ۳۰ سوره روم: ﴿فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» خبر داده است. با توجه بر اینکه، عبارت «فطرة الله»، به معنای نوع خلقت و سرشت، کلمه‌ای عام و مطلق است (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۲۸/۱۴)؛ نمی‌توان مصداق آن را در نفس معرفة الله در وجود آدمی منحصر کرد، لذا اگر زنی بر اساس دلایل غیر شرعی، بخواهد با میل فطری به فرزندآوری در وجود زن مخالفت کند، مصداق آیه شریفه قرار گرفته و مرتکب گناه خواهد گردید؛ زیرا فرزندآوری، مهمترین هدف و کارکرد خانواده با خلقت زن و مرد است. از اینجا، معلوم می‌گردد که «مسئله جمعیت»، فقط یک مسئله پزشکی نیست؛ بلکه ریشه همه آنها، فرهنگ غلط و بی‌دینی است. پس باید کاری کرد که دین زنده شود؛ اعتقاد به خدا، معنویت، زندگی ابدی و ارزش‌های انسانی پررنگ شود. اگر این بخش اصلاح شد، همه بخش‌های دیگر، قابل اصلاح است؛ ولی اگر این مسئله حل نشود، کار به نتیجه نمی‌رسد؛ زیرا چه بسا قانونی هم وضع کنند و چند صباحی هم به این مسئله بپردازند و پس از مدتی هم فراموش می‌شود و آتش، همان آتش و کاسه، همان کاسه. (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی آثار آیت الله مصباح‌یزدی، ۸ دی ۱۳۹۷).

## ۶. وسیله کسب آرامش و آسایش

فرزند، یکی از تکیه‌گاه‌های مهم هریک از زن و مرد در زندگی است. هرکدام از آن دو، انتظار و آرزوهایی از فرزند خودشان دارند که همه این آرزوها، با ممانعت از فرزندآوری به خاکستر تبدیل می‌شود و زندگی را کم‌سو نموده یا از طراوت و سرسبزی و شادابی دور می‌کند. همان آرامشی که آیه ۲۱ سوره روم: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...﴾، فلسفه تشکیل خانواده معرفی می‌کند (مغنیه، تفسیر الکاشف، ۱۴۲۴: ۱۳۶/۶)؛ بنابراین، مخالفت و مبارزه هریک از زن و مرد با فرزندآوری در واقع، مانع از کسب آرامش و آسایش خانواده است. ضمن اینکه، نفی فرزندآوری، در حقیقت، جلوگیری از رشد و ترقی آن خانواده است؛ چراکه نقش فرزند در اقتصاد، کار و تولید معلوم است. فرزندان، عاملی برای توسعه اقتصادی، نیروی کار و تولید و بهره‌وری بیشتر از منابع و امکانات هستند.

## ۷. عدم جواز اضرار به فرزند

هرکدام از زن و مرد، به شرط اهلیت و امکان فرزندآوری، رخصتی شرعی در واردآوردن ضرر و زیان به فرزند در تقدیر خود را ندارند. خداوند در آیه ۲۳۳ سوره بقره: ﴿... لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ...﴾؛ «... نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر...»، درست است که درباره فرزند بالفعل سخن می گوید، ولی با تنقیح مناسبت؛ یعنی اینکه در دین اسلام، تحمیل یا تحمل ضرر در هیچ زمانی و مکانی به کسی یا گروهی اجازه داده نشده است و هر جا ضرر صدق بکند از نظر خداوند نابخشوده است، می توان عدم جواز واردآوردن ضرر را به بچه ای که هنوز در مرحله اقتضا و شأن هم هست، سرایت داد و جلوگیری از آن را محکوم شرعی دانست.

مفسران نیز در تفسیر عبارت مذکور، بیان می کنند که شکل معلوم و مجهول، هر دو در آن محتمل است؛ یعنی لاتضار به معنای ضرر نزنند یا لاتضار به معنای ضرر رسانیده نشود، می توان قرائت کرد. به هر روی، مفسران نسبت به تفسیر عبارت فوق، نظرات مختلفی دارند:

الف. حرف باء، زائده است و معنای آیه این است که مادر، به فرزند ضرر نرساند و پدر نیز، به فرزند ضرر نرساند. آمدن به شکل «لاتضار» به جای فعل «لا تضر» برای خاطر مبالغه است (حائری تهرانی، مقتنیات الدرر، ۱۳۳۸: ۷۸/۲)؛ پس نه مادر می تواند با خودداری از شیردادن کودک، به او ضرر برساند و نه پدر حق دارد با سپردن کودک به دیگری، فرزند را از مادر خود محروم کند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۸۹/۲).

ب. حرف باء، الصاق و سببیت است و معنای آیه این است که مادر به سبب فرزند ضرر رسانیده نشود و پدر هم، به سبب فرزند متضرر نشود (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۲۸۰/۱؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۱۴۵/۱)؛ پس پدر نمی تواند زن را به دلیل ترس از حمل، از حق زناشویی محروم کند و نه مادر، می تواند مرد را به علت ترس از بارداری، از حق زناشویی بی نصیب کند (ابن جوزی، تذکرة الخواص، ۱۴۲۵: ۳۴/۱؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۴۷۹/۱).

ج. حرف باء، به معنای «فی» ظرفیه است و معنای آیه شریفه این است که مادر در رابطه با فرزند، ضرر رسانیده نشود و پدر نیز همین طور.

با توجه به این نکات، «بنا بر معلوم بودن فعل (لاتضار) و معنای «الصاق» داشتن «باء»، متعلق ضرر، کودک است و معنایش این است: مادر شیرده و نیز پدر کودک نباید به کودک خود آسیب برسانند، چنان که بعضی از والدین به دلیل اختلاف با یکدیگر و از روی عصبانیت، پیش از طلاق یا پس از آن، مرتکب اعمالی می شوند که به کودک ضرر می رساند؛ ولی بنا بر معنای



«سببیت»، متعلق ضرر هریک از والدین است و معنای «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» این است: مادر شیرده کودک نباید به سبب او به پدر کودک ضرر بزند و پدر کودک نباید به سبب فرزندش به مادر شیرده آسیب وارد کند، چنان‌که بعضی مادران به بهانه داشتن کودک، از کامجویی شوهر جلوگیری میکنند؛ یا برخی از مادران شیرده طلاق گرفته با اقدامات مخصوص به‌وسیله کودک به پدر او ضرر می‌زنند؛ یا برخی از پدران با سلب حق ارضاع مادران، با در اختیار قرارندادن کودک، به مادران آنها آسیب می‌رسانند.

بر اساس مجهول بودن فعل (لَا تُضَارَّ)، معنای «سببیت» برای حرف «باء» متعین است و معنایش این است: هیچ‌یک از والدین نباید به سبب کودک ضرر ببیند. (جوادی‌آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۷۶: ۳۸۲/۱۱).

از رویکردهای متفاوت معلوم می‌شود که مفسران، آیه شریفه را به شکل خاص و شکل عام معنا کرده‌اند؛ یعنی به نظر برخی از آنها، آیه می‌خواهد عدم جواز ضرر به شخص کودک توسط پدر و مادر را بیان بکند یا عدم جواز ضرر به خصوص یکی از پدر و مادر به وسیله کودک را بیان کند. در مقابل، بعضی دیگر با نگاه عام، معتقدند که آیه می‌خواهد هم عدم جواز ضرر به کودک را بیان کند و هم عدم جواز ضرر به یکی از والدین توسط کودک را بیان کند؛ لذا معنا و مفهوم آیه شریفه، عام است.

بر اساس رویکرد نخست که پدر و مادر نمی‌توانند به کودک خودشان ضرر برسانند. از نظر نگارنده، این معنا مختص آن زمانی نیست که کودک، بالفعل وجود دارد. ضرر رساندن به کودکی که در رتبه اقتضا و شأن هم هست، شامل می‌گردد؛ چراکه زن در صورتی که قابلیت فرزندآوری داشته باشد، نمی‌تواند با بهانه‌های واهی و غیرشرعی، از فرزندآوری طفره رود. چنین کاری در واقع، محروم کردن جامعه انسانی از جزء خود به‌طور عموم و محروم ساختن نهاد خانواده از عضو استحقاقی به شکل خاص است. البته می‌توان حکم عدم جواز فرزندآوری را در صورت ضرر بر جان زن، از قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» استظهار و استخراج کرد؛ زیرا اجتماع از آن جمله، خانواده در صورتی می‌تواند رشد و ترقی پیدا کند که از نیروی انسانی کافی و صاحب دانش و معلومات کافی برخوردار باشد. زن با طفره‌رفتن از فرزندآوری، در واقع جلو این رشد را گرفته و به خانواده و جامعه خود خیانت می‌کند (ر.ک: مؤمن‌قمی، «سخنی در تنظیم خانواده»، ۱۳۷۶: ۱۱۲-۱۳۵).

## ۸. اقتضای سنت الهی

بر اساس آموزه‌های قرآنی و حدیثی، انسان حق مقابله با سنت‌های الهی را ندارد، از این‌رو هر وقت از سوی انسان، اعمال ناشایسته و باطلی انجام بگیرد، از ناحیه خداوند مجازات حتمی دارد و برعکس،



هر نوع کار درستی هم پاداش مضاعفی را به دنبال دارد. تکثیر نسل بشر و تداوم وجود انسان، بر اساس آیه ۱۱ سوره شوری: «فَاَطِئِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ «او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [به‌وسیله همسران] زیاد می‌کند؛ هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست!»، یکی از سنت‌ها و قوانین مستمر و جاری خداوند در زمین است. عبارت «يَذُرُّكُمْ فِيهِ» صفت کلمه ازواجاً است و معنایش، این است که خداوند به‌وسیله زادواج زن و مرد، نسل آنها را که در صلب و رحم آن دو مکنون بود، اظهار می‌کند (خطیب، التفسیر القرآنی للقرآن، ۱۴۲۴: ۲۵/۱۳). سرّ اینکه، خداوند به جای «به» از «فیه» بهره گرفته، خواسته بیان بکند که آن تدبیر و جعل، منبع و مخزنی برای تکثیر و بقای نسل همه موجودات زنده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۴/۲۱۲)؛ بنابراین، مفاد آیه شریفه با توجه بر کاربرد فعل ماضی «جعل»، این است که اراده تکوینی خداوند در حیات، بر ادامه نسل بشر از طریق زناشویی تعلق گرفته است، ازاین‌رو هر مسیری که بر خلاف این بینجامد، خلاف اراده خداوند خواهد بود (ابن‌عاشور، التحریر و التتویر، ۱۴۲۰: ۱۱۵/۲۵). برای نمونه، مادر حق ندارد بدون اذن شرعی، در وقتی که نطفه تبدیل به جنین شد، آن را ساقط کند. همین‌طور، زن نمی‌تواند از فرزندآوری اجتناب کند؛ چراکه برخلاف اراده تکوینی و تشریعی خداوند است. خداوند همان‌طور که از حیث تکوینی، تداوم نسل را در ازدواج قرار داده، با تعبیر مختلف در قرآن کریم هم، مانند «فانکحوا» از انسان‌ها، خواسته که با مسیر شرعی، ارتباط و تقارن متقابل را در بین خود بیافرینند. (ر.ک: محصص، مرضیه، «جامعیت قانون گذاری قرآن در حوزه خانواده»، دوره ۷، ش ۱۳، اسفند ۱۳۹۲، ص ۳۳-۴۸)

افزون بر این، خداوند در آیه ۲۰۵ سوره بقره: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ»؛ «(نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.» به‌طور صریح اهلاک حرث و نسل را از مصادیق بارز فساد بر روی زمین می‌شمارد که خداوند، آن را دوست نمی‌دارد. معلوم است، اهلاک حرث و نسل، معنای عام دارد و هر آن چیزی که حرث و نسل، بر آن تطبیق کند را شامل می‌گردد (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۸۵/۲) حال، اگر کسی سؤال بکند از اینکه، آیا بر ممانعت از فرزندآوری هم، مفهوم اهلاک حرث و نسل صدق می‌کند یا نه؟ جواب، مثبت است؛ زیرا هم اهلاک حرث به‌صورت مستقیم و هم اهلاک نسل به شکل غیرمستقیم، بر آن تطبیق می‌کند.





بنابراین، هدف الهی از آفرینش انسان، خلق موجود فهیم و با شعور از خاک و بی مقدار است که زن، با فرزندآوری خود، زمینه تحقق این سنت الهی را ممکن می کند و با خودداری از فرزندآوری، با سنت الهی به مخالفت بر می خیزد (ر.ک: مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

#### ۹. وسیله رشد و تعالی خانواده

رسیدن مرد و زن به هدف متعالی در زندگی، نهایت آرزوهای آن دو در زندگی مشترک است. آیاتی که خداوند در قرآن کریم درباره فرزند بیان فرموده، برداشت می شود که فرزنددار بودن، یکی از اهداف زندگی مرد و زن را تشکیل می دهد، به دلیل اینکه از غم و غصه خوردن برخی از انسان های شایسته همانند بعضی از انبیاء، همچون حضرت ابراهیم و حضرت زکریا، این ادعا به روشنی استفاده می شود. از آنجاکه انبیاء، بی دلیل برای امور دنیوی ناراحت نمی شدند، معلوم می شود که مقوله فرزند، یکی از اسباب سعادت و رشد خانواده است.

به لحاظ همین نکته است که خداوند، وجود فرزند در خانواده را هدیه و نعمتی خدادادی و نیز بشارت زندگی برای حضرت ابراهیم علیه السلام و همسرش در آیات ۵۱ تا ۵۳ سوره حجر: «وَبَشِّرْهُمْ عَنْ صَیْفِ إِبْرَاهِيمَ ... قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ» و آیه ۷۱ سوره هود: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَتَبَسَّرْنَاهَا يَأْسَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَتَبَسَّرْنَاهَا يَأْسَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» مطرح می کند. همان طور که در آیه ۷ سوره مریم: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا»، تولد حضرت یحیی را برای حضرت زکریا بشارت می دهد.

از آنجاکه بشارت، آن هم از ناحیه خداوند، خالی از حقیقت نمی تواند باشد؛ موجب تعجب آن دو حضرت گشته است (مراغی، تفسیر المراغی، بی تا: ۳۳/۱۴) و از طرفی، نشانگر بارزش بودن فرزندآوری نزد خداوند و اثرگذاری آن در رشد و کمال انسان و خانواده است. از این رو، هرکس از فرزندآوری ممانعت به عمل آورد در واقع، خانواده را از رشد محروم می کند. بنابراین، به لحاظ وظیفه والدین در زمینه سازی رشد برای خانواده، فرزندآوری هم تکلیفی بر گردن زن در برابر خانواده است.

از سوی دیگر، خداوند در آیات مختلفی، از جمله در آیه ۱۳۳ سوره شعراء: «أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ؛ شَمَا رَا بِهٖ چَہَارِپَايَان و نیز فرزندان (لایق و برومند) امداد فرموده» و آیه ۱۲ سوره نوح: «وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ «و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ های سرسبز و نه رهای جاری در اختیارتان قرار دهد»، فرزند را به عنوان کمک و دستیاری برای والدین و بقاء یاد و کثرت امت مطرح می کند (مراغی، تفسیر المراغی، بی تا: ۱۷۷/۱۹). طبق مفاد آیات شریفه، زنی که مرد خود را بدون عذر شرعی، از فرزند محروم می کند، ستمکار برای شوهرش است؛ چراکه او را از همیار لازم در خانواده محروم کرده است.

از امثال این گونه آیات برداشت می شود که از نظر قرآن کریم، کثرت جمعیت یک ارزش برای جامعه اسلامی و دینی است و با کاهش آن، ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین وارد می گردد (حسینی تهرانی، کاهش جمعیت و ضربه ای سنگین بر پیکر مسلمین، تهران: ۱۴۱۵: ۳۴).

#### ۱۰. ضرورت اعتقاد و حسن ظن به خداوند

بر اساس آیات قرآن کریم، سوءظن به خدا و عدم وجود شفقت در روح انسان، دو عامل اساسی در فرزندکشی است. خداوند در آیه ۳۱ سوره اسراء: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا»؛ «و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.» کشتن فرزند را بعد از اینکه گناه بزرگ می شمارد، به دلیل ترس از نفقه او ممنوع می دارد. همین حکم را در آیه ۱۵۱ سوره انعام: «... وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ «بگو: (...) و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید!» نیز تکرار می کند.

این نوع آیات شریفه، به طور صریح از کشتن فرزند نهی می کند. به نظر نگارنده، کشتن فرزند بر وجود بالفعل فرزند موقوف نیست؛ بلکه چنانچه در جلوگیری از وجود فرزند شأنی، همان دلایل موجود در فرزند فعلی هم وجود داشته باشد، به طور قطع حرام و گناه خواهد بود؛ چراکه از منظر قرآن کریم، گناه مختص زمانی نیست که کار ناشایسته یا متعلق کار، امر حسی باشد؛ بلکه در وقتی هم که کار، از نوع امر قلبی باشد باز در صورت ترک طاعت و فعل معصیت، گناه صدق خواهد کرد.

از این رو، خداوند در آیه ۲۲۵ سوره بقره: «لَا يَأْخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يَأْخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ»؛ به طور صریح، از مسئول بودن دل و قلب انسان سخن می گوید و از طرف دیگر، خداوند یهودیان معاصر پیامبر ﷺ را در آیه ۱۸۱ سوره آل عمران: «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْآنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» قاتلان انبیاء نام می برد، درحالی که تنها اجداد آنها، آن کار فاحش را مرتکب گردیده بودند. دلیل تسری گناه به آنها، طبق آیه ۱۱۸ سوره بقره، تشابه قلوب آنان است. پس معلوم می شود که انسان بر اساس منویات قلبی هم افزون بر اعمال بیرونی، مسئول شناخته می شود (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۷۶: ۳۴۵/۶).



زنی هم که مانع از فرزندآوری در محیط خانواده می‌گردد. در صورتی که این کار، ناشی از سوءظن به خدا باشد و صرفاً برای آسایش و راحتی بیشتر در زندگی و رسیدن به مطامع دنیوی باشد، کار ناصوابی را انجام داده است که در روز قیامت، مسئول شناخته خواهد شد. مضافاً به اینکه، خانواده و جامعه بشری را از ترقی و رشد انسانی محروم ساخته است. امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنُّ؛ کسی که به خاطر تنگناهای مالی و مشکلات اداره کردن عیال، ازدواج نکند، همانا به خدای متعال سوء ظن دارد» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ هـ.ق: ۳۳۰/۵)؛ امامان معصوم هم که الگوی زندگی در اعتماد به خداوند بودند، خودشان به دنبال کثرت جمعیت بودند؛ زیرا سیره عملی آن حضرات که خود یکی از منابع دین اسلام است، بر کاهش جمعیت نبوده است؛ بلکه بر کثرت جمعیت و مطلوب بودن جمعیت زیاد بوده است.

#### ۱۱. دریافت پاداش الهی بابت فرزنددارشدن

درست است که در برخی از آیات قرآن کریم، مانند آیه ۱۵ سوره تغابن و ۲۸ سوره انفال، از فرزند با عنوان «فتنه» تعبیر آورده شده است؛ ولی در ذیل همان آیات، عبارت «و الله عنده اجر عظیم» آمده است که به خوبی دلالت دارد بر اینکه هریک از والدین در مقابل زحمات خودشان، اجر بزرگ و فراوانی را از خداوند دریافت خواهند کرد (سلطان‌علی‌شاه، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۱۴۰۸: ۱۸۳/۴). حدیث منقول از پیامبر (ص): «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر قدم‌های مادران است» نیز، اشاره به همین زحمات شبانه‌روزی مادر دارد که بهشت را به دنبال خود به ارمغان می‌آورد (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۱۸۰/۱۵).

افزون بر آن، از مفهوم آیه نهم سوره منافقون: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» و دیگر آیات مشابه، استفاده می‌شود که فرزند زیاد اگر انسان را از یاد خدا غافل نکند و انسان بتواند به وظیفه و تکالیف دینی‌اش هم نسبت به فرزندانش و هم نسبت به خود و دیگران عمل کند، بسیار مطلوب است (ر.ک: نوری‌همدانی، «کنترل جمعیت»، ۱۳۸۲: ۲۴-۵۲). این تحلیل از مفهوم آیه با صراحت قابل استفاده است. نکته درخور توجه این است که به بهانه ظاهر آیه نمی‌توان از مفهوم صریح آیه دست برداشت.

از این رو، خداوند برای دریافت پاداش الهی اعم از مادی و معنوی، بعد از امر به تزویج، به عدم ترس از املاق توصیه می‌کند. برای نمونه، خداوند در آیه ۳۲ سوره نور: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»، بیان می‌کنند که فقر ظاهری مانع از پاسخ مثبت به افراد خواهان نباشد؛ چراکه خداوند، گشایش‌دهنده و آگاه است. همین‌طور، در آیات ۱۵۱ سوره انعام و ۳۱ سوره نور، به عدم جواز قتل در اثر ترس از املاق اشاره کرده و از مایه روشنی چشم در اثر تولد فرزند در آیه ۷۴ و ۷۵ سوره فرقان خبر می‌دهد.

از اینجا، معلوم می‌شود که فرزندآوری، یکی از دغدغه‌های دینی است؛ چراکه دین، تنها از منظر بقاء و تداوم حیات بشری یا ابعاد اجتماعی به مسئله نگاه نمی‌کند؛ بلکه با رویکرد اخروی و کمال روحی، به ارزیابی موضوع می‌پردازد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعَزَّابُ؛ بیشترین اهل جهنم جوانان بی‌همسر هستند» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۲: ۲۰/۲۰).

اصولاً، با همین نگاه دینی است که انبیایی مانند حضرت ابراهیم یا حضرت زکریا در اواخر عمر حیات خود، خواهان فرزند از ناحیه خداوند می‌شوند یا خداوند یکی از اوصاف «عباد الرحمن» را در آیه ۷۴ سوره فرقان: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ درخواست مایه روشنی چشم؛ یعنی فرزند از ناحیه او می‌شمارد. حرف «من» در آیه شریفه، از نوع بیانیه است، عبارت «مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا» همان «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» به‌شمار می‌آید. بنابراین، عبادالرحمن، کسانی هستند که از خداوند، همسر و ذریه‌ای که مایه روشنی چشم او باشند را خواهان‌اند (نظام الاعرج، ۱۴۱۶: ۲۵۷/۵).

با همین تحلیل است که می‌بینیم خداوند، با انزال سوره کوثر که در جواب بدخواهان پیامبر در اتهام ایشان به «ابتر» نازل گردید، با انواع مبالغه، مانند بهره‌گیری از «انّ»، ضمیر متکلم مع‌الغیر، استفاده از اعطا به جای ایتا، زیادی واو در کوثر، پیامبر خود را تسلی می‌بخشد و نسل حضرت فاطمه زهرا (س) را روی زمین می‌گستراند در حالی که از نسل بنی‌امیه، کسی باقی نمانده یا از یادها رخت بر بسته است (نظام الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۱۴۱۶: ۵۷۵/۶).



## نتیجه

از آنچه بیان شد، نتیجه گرفته می‌شود که قرآن کریم، از طرفی با آیاتی متعدد و صریح، تشکیل خانواده و ازدواج را که زمینه فرزندآوری است، ستوده و تمجید کرده است. از طرف دیگر، با اشاره به بقاء نسل، کسب آرامش، تحصیل اثر نیک، کمال‌گرایی و... از طریق فرزنددارشدن زن، حقایقی هستند که از منظر قرآن، فرزندزایی را برای هریک از زن و مرد به شرط سلامتی، در خانواده به‌عنوان تکلیفی روشن برای زن در کنار مرد ارائه می‌کند. به‌طوری‌که طبق همان مبانی، فرزنددارشدن، یکی از حقوق مسلم شوهر است که در صورت استنکاف زن، شوهر می‌تواند درخواست طلاق کند. همان‌گونه که مرد نیز، از همین حقوق برخوردار است. بنابراین، خودداری هریک از زن و شوهر از فرزندآوری، خواه با اجتناب از انعقاد نطفه یا سقط جنین از طریق بهانه‌های واهی در جانب زن و نیز، ادعای بی‌میلی مرد به فرزند یا اشتغال یا سفر و امثال آن، به سبب مخالفت با میل فطری انسان به ادامه نسل و کمال‌خواهی انسان در دنیا و آخرت و دیگر موارد مذکور در این نوشتار، مورد تأیید قرآن و سنت انبیای الهی نیست.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، نسل جوان، قم: ۱۳۷۸ ش.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، نشر موسسه التاریخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی البغدادی، تذکره الخواص الامة فی خصائص الائمة، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران: بی تا.
۵. محمص، مرضیه، «جامعیت قانون گذاری قرآن در حوزه خانواده»، دوره ۷، ش ۱۳، اسفند ۱۳۹۲.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۷. ترکاشوند، احسان و حسن قره باغی، «نقد و بررسی دیدگاه های مخالفان و موافقان کنترل جمعیت»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، دوره ۸، ش ۲، سال ۱۳۹۹ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، قم: ۱۳۷۶ ش.
۹. حائری تهرانی، علی، مقتنیات الدرر، دارالکتب العلمیه، تهران: ۱۳۳۸ ش.
۱۰. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، کاهش جمعیت و ضربه ای سنگین بر پیکر مسلمین، حکمت، تهران: ۱۴۱۵.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل البيت، قم: ۱۴۱۲.
۱۲. حکیم طباطبائی، سید محسن، منهاج الصالحین، مطبعة العلمیه، نجف: ۱۳۷۷ ق.
۱۳. خرازی، سید محسن، «کنترل جمعیت و عقیم سازی»، نشریه فقه اهل بیت، ش ۲۱، سال ۱۳۷۹.
۱۴. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، دارالفکر العربی، بیروت: ۱۴۲۴ ق.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، مطبعة مهر، قم: بی تا.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار الكتاب العربی، بیروت: ۱۳۹۲ ق.
۱۷. رضائی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: ۱۳۹۲ ش.



۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، نشر دارالکتاب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ق.
۱۹. سادات میرهاشمی، زهرا و طاهره جلیلی کلهری، «تبیین و بررسی دیدگاه‌های مستنبط از آیات و روایات درباره سیاست راهبردی تکثیر موالید و افزایش جمعیت در اسلام»، نشریه مطالعات زن و خانواده، دوره ۵، ش ۲، ۱۳۹۶.
۲۰. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، بیان السعادة فی مقامات العباد، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۰۸ق.
۲۱. سیم فروش، ناصر و شیبا طباطبایی، «توسعه الگوی سلامت خانواده و جمعیت مطلوب بر مبنای ارزش‌های الهی در آموزش پزشکی»، مجله علمی سازمان نظام پزشکی، دوره ۳۶، ش ۲، تابستان ۱۳۹۶.
۲۲. شریفی، عنایت و محسن فلاح، مقاله: «مبانی انسان شناختی نظام تغذیه در قرآن و نقش آن در سلامتی جسم و روح انسان»، مجله قرآن و علم، دوره ۱۵، ش ۲۹، زمستان ۱۴۰۰ش.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، نشر فرهنگ اسلامی، قم: ۱۴۰۶ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین، مکتبه نشر الثقافه الاسلامیه، بی‌جا: ۱۳۶۷ش.
۲۷. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۲۸. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دارالملاک، بیروت: ۱۴۱۹ق.
۲۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه فرهنگی قرآن کریم، تهران: ۱۳۸۸ش.
۳۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۱ش.
۳۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ش.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، الإسلامیه، تهران: ۱۴۰۷ق.
۳۳. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دارالفکر، بیروت: بی‌تا.
۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، قم: ۱۳۸۷.
۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی، پایگاه اطلاع رسانی آثار آیه الله مصباح یزدی.

۳۶. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، دارالکتاب الاسلامی، تهران: ۱۴۲۴ق.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۱ش.
۳۸. موسی، حسین یوسف، المصباح فی فقه اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۴ق.
۳۹. مؤمن قمی، محمد، «سخنی در تنظیم خانواده»، فقه اهل بیت، ش ۸، ۱۳۷۶.
۴۰. نادری، فرج الله، کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۵.
۴۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تصحیح سید ابراهیم میانجی، مکتبه الاسلام، تهران: ۱۳۹۷ق.
۴۲. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دارالکتب الاسلامیه، بیروت: ۱۴۱۶ق.
۴۳. نوری همدانی، حسین، «کنترل جمعیت»، نشریه فقه اهل بیت، ش ۳۳، ۱۳۸۲.
۴۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، قم: ۱۴۰۸ق.





## References

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Naser Makarem Shirazi, Nasl Jawan, Qom: ۱۳۷۸ SH (۱۹۹۹ CE).
۲. Baydawi, Abdullah bin Umar, Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (Lights of Revelation and Secrets of Interpretation), Dar Ihya al-Turath al-Arabi Publications, Beirut: ۱۴۱۸ AH (۱۹۹۷ CE).
۳. Fadlullah, Sayyid Mohammad Hussein, Tafsir Min Wahy al-Quran (Interpretation from the Revelation of the Quran), Dar al-Malak, Beirut: ۱۴۱۹ AH (۱۹۹۸ CE).
۴. Fakhr Razi, Mohammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen World), Dar Ihya al-Turath al-Arabi Publications, Beirut: ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۵. Ha'iri Tehran, Ali, Muqtaniyat al-Durar (Treasures of Pearls), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Tehran: ۱۳۳۸ SH (۱۹۵۹ CE).
۶. Hakim Tabatabai, Sayyid Mohsen, Minhaj al-Salihin (The Path of the Righteous), Al-Ilmiyyah Press, Najaf: ۱۳۷۷ AH (۱۹۵۷ CE).
۷. Hoseini Tehran, Sayyid Mohammad Hosein, Kahesh-e Jom'e va Zarbeye Sangin bar Paykar-e Musلمان (Population Reduction and a Severe Blow to Muslims), Hekmat, Tehran: ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۴ CE).
۸. Hur Amili, Mohammad bin Hassan, Wasa'il al-Shi'a (The Means of the Shia), Al-Albayt, Qom: ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۹. Ibn A'shur, Mohammad al-Tahir, Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir (Interpretation of Liberation and Enlightenment), Institute for Arab History Publications, Beirut: ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۱۰. Ibn Jawzyi, Yusuf bin Qazaghuli al-Baghdadi, Tadhkirat al-Khawass al-Ummah fi Khasais al-A'imma (Biography of the Special Traits of the Ummah Regarding the Characteristics of the Imams), Naynavi al-Hadithah Library, Tehran: n.d.
۱۱. Ibn Kathir, Ismail bin Umar, Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Great Quran), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah Publications, Beirut: ۱۴۱۹ AH (۱۹۹۸ CE).
۱۲. Javadi Amoli, Abdullah, Tafsir Tasnim (Interpretation of Tasnim), Esra Publications, Qom: ۱۳۷۶ SH (۱۹۹۷ CE).
۱۳. Kharrazi, Sayyid Mohsen, "Kontrol Jama'yyat wa Aqem Sazi (Population Control and Sterilization)", Ahlul Bayt Jurisprudence Journal, Issue ۲۱, ۱۳۷۹ AH (۲۰۰۰ CE).

۱۴. Khateeb, Abdul Karim, Al-Tafsir al-Qurani lil-Quran (Quranic Interpretation of the Quran), Dar al-Fikr al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۴ AH (۲۰۰۳ CE).
۱۵. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim, Manhaj al-Salihin (The Path of the Righteous), Mehr Press, Qom: n.d.
۱۶. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, Al-Kafi (The Sufficient), ۴<sup>th</sup> Edition, Al-Islamiyyah, Tehran: ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۶ CE).
۱۷. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh (Exemplary Interpretation), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
۱۸. Maraghi, Ahmad Mustafa, Tafsir al-Maraghi (Maraghi's Interpretation), Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
۱۹. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Naqd va Barrasi Makateb Akhlaqi (Critique and Examination of Ethical Schools), Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom: ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۲۰. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Payegah-e E'telā' Rasanī Āsār-e Āyatollah Misbah Yazdi (Information Base of the Works of Ayatollah Misbah Yazdi).
۲۱. Moghniyya, Mohammad Javad, Tafsir al-Kashif (The Interpretation of Discovering), Dar al-Kitab al-Islami, Tehran: ۱۴۲۴ AH (۲۰۰۳ CE).
۲۲. Sharifi, Enayat and Mohsen Fallah, article: "Anthropological foundations of the nutrition system in the Quran and its role in the health of the human body and soul", Quran and Science Journal, Volume ۱۵, , Number ۲۹, November ۲۰۲۲.
۲۳. Momen Qomi, Mohammad, "Sukhani Dar Tanzeem Khanwadeh (A Discussion on Family Planning", Fiqh Ahlul Bayt Journal, Issue ۸, ۱۳۷۶ SH (۱۹۹۷ CE).
۲۴. Musa, Hussein Yusuf, Al-Misbah fi Fiqh al-Lughah (The Lamp in Linguistic Jurisprudence), Maktabat al-I'lam al-Islami, Qom: ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۳ CE).
۲۵. Nadari, Farajollah, Kontrol-e Jam'iyyat az Didgah-e Islam (Population Control from an Islamic Perspective), Bustan Ketab, Qom: ۱۳۹۵ SH (۲۰۱۶ CE).
۲۶. Najafi, Mohammad Hassan, Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam (The Pearls of Speech in the Explanation of Islamic Jurisprudence), Edited by Sayyid Ibrahim Miyanaji, Maktabah al-Islam, Tehran: ۱۳۹۷ AH (۱۹۹۴ CE).
۲۷. Nizam al-A'raj, Hassan bin Mohammad, Tafsir Ghara'ib al-Quran wa Ragha'ib al-Furqan (Interpretation of the Rarities of the Quran and the Desirables of the Criterion), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Beirut: ۱۴۱۶ AH (۱۹۹۵ CE).



۲۸. Nuri Hamedani, Hussein, "Kontrol Jama 'yyat (Population Control)", Fiqh Ahlul Bayt Journal, Issue ۳۳, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۲۹. Nuri, Hussein bin Mohammad Taqi, Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masail (Complementary Means and Deduced Issues), Al-Albayt Institute, Qom: ۱۴۰۸ AH (۱۹۸۷ CE).
۳۰. Qarashi, Sayyid Ali Akbar, Qamus al-Quran (Quranic Lexicon), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
۳۱. Qira'ti, Mohsen, Tafsir Nur (Interpretation of Light), Cultural Institute of the Holy Quran, Tehran: ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۳۲. Qurtubi, Mohammad bin Ahmad, Al-Jami' li Ahkam al-Quran (The Compendium of Quranic Rulings), Naser Khosrow, Tehran: ۱۳۶۴ SH (۱۹۸۵ CE).
۳۳. Raghib Isfahani, Abu al-Qasim Husayn bin Mohammad, Mufradat al-Furqan (Vocabulary of the Quranic Words), Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۱۳۹۲ AH (۱۹۷۲ CE).
۳۴. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Mantiq Tafsir Quran (Logic of Quranic Interpretation), International Center for Translation and Publication of Mustafa, Qom: ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۳۵. Sadat Mir Hashemi, Zahra, and Tahereh Jalili Kalahari, "Tabyin wa Barresi Didgahaye Mustanbat az Ayat wa Riwayat Darbara Siyasat Rahburdi Mawalid wa Takthir Jama 'yyat Dar Islam (Exposition and Examination of Derived Views from Verses and Narrations about Strategic Policy of Population Growth and Increase in Islam)", Women and Family Studies Journal, Volume ۵, Issue ۲, ۱۳۹۶ SH (۲۰۱۷ CE).
۳۶. Sadiqi Tehran, Mohammad, Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bil-Quran (Criterion in Quranic Interpretation by Quran), Farhang-e Islami Publishing, Qom: ۱۴۰۶ AH (۱۹۸۵ CE).
۳۷. Simforoush, Naser and Sheiba Tabatabai, "Tawsi'ah Ulguye Salmat Khanwadeh wa Jama 'yyat Matlub bar Mabnaye Arzishhaye Ilahi dar Amuzesh Fizishki (Developing a Model of Family Health and Desired Population based on Divine Values in Medical Education)", Journal of Medical Organization of the Medical Council, Volume ۳۶, Issue ۲, Summer ۱۳۹۶ SH (۲۰۱۷ CE).
۳۸. Sultan Ali Shah, Sultan Mohammad bin Haider, Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah (The Explanation of the Happiness in the Stations of Worship), Al-A'lami Institute for Publications, Beirut: ۱۴۰۸ AH (۱۹۸۸ CE).

٣٩. Tabari, Mohammad bin Jarer, Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Comprehensive Explanation of Quranic Interpretation), Dar al-Ma'rifah, Beirut: ١٤٢٠ AH (١٩٩٩ CE).
٤٠. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, Tafsir al-Mizan (The Scale in Interpretation), Al-A'jami Institute for Publications, Beirut: ١٤٢٠ AH (١٩٩٩ CE).
٤١. Turaihi, Fakhr al-Din bin Mohammad Ali, Majma' al-Bahrain (The Confluence of the Two Seas), Islamic Culture Publishing Institute, N.p.: ١٣٦٧ SH (١٩٨٨ CE).
٤٢. Turkashavand, Ehsan and Hassan Qarabaghi, "Naqd wa Barresi Didgahahye Mukhalifan wa Muwafiqan Kontrol Jama'ayyat (The Critique and Examination of Opposing and Favorable Views on Population Control)", Islamic Women and Family Research Journal, Volume ٨, Issue ٢, ١٣٩٩ SH (٢٠٢٠ CE).
٤٣. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, Tafsir al-Kashaf (Revelation of the Unveiling), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٠٧ AH (١٩٨٧ CE).